



نقد روش‌شناختی و کاربرستی آن در ارزیابی مطالعات توسعه سیاسی

غلامرضا محمدی مهر^۱

دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران)، گروه علوم سیاسی،
دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دکتر مجید توسلی رکن‌آبادی^۲

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نقد بدون معیار در مطالعات توسعه سیاسی ایران، غالباً به ارزیابی‌های جانبدارانه و غیرعلمی و در نتیجه تشتت آراء بیش‌تر میان متفکران منجر شده‌است. معیار قرار گرفتن قواعد روش‌شناختی تا حد زیادی مانع از نقدهای ایدئولوژیک و تعدیل آراء و نظریات شود. این مقاله به معرفی ابزار ارزیابی برای نقد روش‌شناختی آثار مرتبط با توسعه سیاسی ایران پرداخته‌است. ابتدا گونه‌ای از نقد با عنوان نقد اندازه‌گیر یا ارزیابانه که با فرایند ارزیابی همخوانی دارد، معرفی شده و پس از آن قواعد روش‌شناسی علمی و همچنین مؤلفه‌ها و محورهای اساسی مطالعات توسعه سیاسی ایران مورد بحث قرار گرفته‌است. نهایتاً از ترکیب اصول و محورهای پیش‌گفته به علاوه مشخصات کتاب‌شناسی آثار، پرسش‌نامه ارزیابی ساخته شده و روایی صوری آن نیز به وسیله چند تن از اساتید روش‌شناس و علوم سیاسی تأیید شده‌است. کاربرستی این ابزار در ارزیابی مطالعات سیاسی، مانع از نقدهای یک‌طرفه شده و می‌تواند ارزش و اعتبار علمی آثار سیاسی را مشخص کند.

واژه‌های کلیدی: نقد، گونه‌های نقد، روش‌شناسی، نقد روش‌شناختی، ابزار ارزیابی، پرسش‌نامه ارزیابی.

^۱ R43mehr@yahoo.com

^۲ tavasoli@gmial.com

(نویسنده مسئول)

مقدمه

دگرگونی سیاسی - اجتماعی در ایران معاصر، دست‌مایه بسیاری از مطالعاتی است که در دو سه دهه اخیر، روز به روز بر حجم آن افزوده شده و اندیشمندان و صاحب‌نظران، با رویکردهای متفاوت، ولی غالباً با هدفی یکسان، به تحلیل و تبیین شکل‌گیری ایران کنونی پرداخته‌اند. تجدد و نوسازی سیاسی، توسعه‌نیافتگی سیاسی، انحطاط و عقب‌ماندگی، استبداد و اخیراً نیز دموکراسی و جامعه مدنی، درونمایه این مطالعات بوده‌است و با اندکی تسامح می‌توان آن را زیر عنوان توسعه سیاسی ایران، مقوله‌بندی کرد. حجم این‌گونه از مطالعات به اندازه‌ای است که برخی با عنوان گفتمان (اکبر، ۱۳۹۵) و یا پارادایم فکری (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰) از آن یاد کرده‌اند.

در کنار و همراه با ارائه روزافزون چنین آثاری، نقد آن هم روانه بازار شده و صاحب‌نظران در قالب نشست، مقاله و کتاب، به نقد و واکاوی هر اثر جدیدالانتشار پرداخته‌اند. ولی برخلاف انتظار، غالب نقدهای نوشته شده، نقدهای علمی و بی‌طرفانه به شمار می‌آیند. تقریباً ۸۰ نفر از اندیشمندان طراز اول ایران، در مصاحبه‌ای اظهار داشته‌اند که بیش‌تر منتقدان به جای نقد اثر، به نقد مؤلف پرداخته‌اند و در هر نقد، فقط بر کاستی‌ها و نقاط ضعف انگشت گذاشته و نقاط مثبت آن را نادیده گرفته‌اند (اوجبی، ۱۳۸۸). حتی برخی از منتقدین پا را از دایره ادب نیز بیرون گذاشته و به توهین و هتک حرمت نویسنده پرداخته‌اند (سیف، ۱۳۷۷).

به طور قطع، نبود معیاری معتبر و قابل پذیرش از سوی اهل نظر، به نوشتن نقدهای غیرعلمی و ایدئولوژیک می‌انجامد و ابهامات و پرسش‌ها را پیرامون یک اثر بیش‌تر می‌کند.

حال سؤال این است که چگونه و با استفاده از چه شیوه‌ای می‌توان به نقد علمی و غیرایدئولوژیک مطالعات سیاسی پرداخت؟ و کدام گونه از نقد در ارزیابی آثار، مناسب است؟ به نظر می‌رسد، نقدهای روش‌شناختی تا حد زیادی می‌تواند ارزش تألیفات را مشخص ساخته و راه برون‌رفتی از مخاصمات بی‌پایان باشد. هر مطالعه‌ای در زمینه مسائل سیاسی - اجتماعی ایران، داعیه علمی بودن دارد. بدین معنی که در پی پاسخ گفتن به سؤالی، به جمع‌آوری اطلاعات و نهایتاً تحلیل و تبیین چستی و چرایی مسائل ایران می‌پردازد و در واقع، مدعی است که در چارچوب روش‌شناسی علمی، انجام شده‌است. همین چارچوب را که تقریباً تمام اندیشمندان در اعتبار آن اتفاق نظر دارند، می‌توان به عنوان معیار نقدها در نظر گرفت. این نوشتار سعی دارد تا از خلال نظر اندیشمندان درباره نقد و روش‌شناسی، ابزاری را برای ارزیابی مطالعات مرتبط با توسعه سیاسی ایران ارائه نماید.

نقد و گونه‌های آن

برای نقد انواع گوناگونی برشمرده‌اند. در گونه‌ای از تقسیم‌بندی‌ها، با توجه به شیوه و تمرکز عمل نقد، آن را به نقد درونی و بیرونی تقسیم کرده‌اند (ملکیان، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۷). در تقسیم‌بندی دیگری، با معیار قرار دادن دوره و فرایند تکامل نقد، سه نوع کلاسیک، مدرن و پست‌مدرن را برای آن مشخص ساخته‌اند (فولادی، ۱۳۸۹: ۱۲۳) و در گونه‌شناسی دیگر، برای نقد دو نوع ایستا و پویا تشخیص داده‌اند (علیپور، ۱۳۸۹: ۴۳).

با توجه به معیار تمایزها، نمی‌توان در صحت و درستی انواع پیش‌گفته تردید کرد و در جای خود به کار گرفته می‌شوند؛ ولی در اینجا تعریف و گونه‌ای از نقد مورد نظر است که در ترکیب با معیارهای روش‌شناختی قرار گیرد و در واقع روش‌شناسی برای آن، معیار و محک ارزیابی باشد. در ادامه سعی می‌شود تا با مرور نظریات صاحب‌نظران دیگر، به گونه مورد نیاز این نوشتار از نقد دست یابیم.

عبدالحسین زرین‌کوب، پس از تعریف لغوی واژه نقد، می‌نویسد: «این کلمه در فارسی و تازی بر وجه مجاز در مورد شناخت محاسن و معایب کلام به کار رفته‌است. چنان‌که آن لفظی هم که امروز در ادب اروپایی جهت همین معنی به کار می‌رود، اصل به معنی رأی زدن و داوری کردن است (زرین‌کوب، ۱۳۸۰: ۲۲). وی در جای دیگری از همین نوشتار، مجدداً تأکید می‌کند که نقد و نقادی عبارت است از سنجش و ارزیابی و حکم و داوری دربارهٔ امور است (همان منبع) و این تعریف را مبنای تقسیم‌بندی دربارهٔ انواع نقد قرار می‌دهند. در ریشه‌یابی لاتین و اروپایی این واژه نیز می‌نویسند: لفظ Critique فرانسوی (معادل با انگلیسی Critic و آلمانی Kritik) از ریشهٔ یونانی Krinein آمده‌است به معنی قضاوت و داوری (همان منبع: ۲۲).

نوئل کارول^۱ در اثر خود دربارهٔ نقد، آن را به ریشهٔ یونانی منتسب کرده و به معنای کسی از هیأت داوران می‌داند که حکمی را اعلام می‌کند. وی نقد را مترادف با ارزیابی قلمداد کرده و در فصل اول کتاب خود، به طور مبسوط در این باره به استدلال می‌پردازد. در قسمت جمع‌بندی این فصل می‌خوانیم: «نقد هنر، ذاتاً مشتمل بر ارزیابی است. مرادم آن نیست که نقد، فقط ارزیابی است و بس. نقد فعالیت‌هایی شامل وصف، تبیین، دسته‌بندی، بررسی زمینه‌های پیدایش، تفسیر و یا تحلیل را نیز دربرمی‌گیرد. ولی علاوه بر این فعالیت‌ها، شرط لازم نقد، به معنای درست کلمه، اجرای ارزیابی است. به بیان دیگر، ارزیابی جزء ذاتی نقد است؛ آنچنان‌که اگر قطعه‌ای از سخن فاقد ارزیابی صریح یا قسمتی باشد، شایسته آن نیست که نقد خوانده شود. بهترین توضیح تفاوت میان نقد، به معنای درست کلمه و برخی صورت‌های مشابه سخن همچون تاریخ هنر و مطالعات فرهنگی، وجود ارزیابی در نقد است. نقد فقط اعلام ساده این مطلب نیست که اثری هنری، ارزشمند یا فاقد ارزش است. نقد آن ارزیابی‌ها را به دلیل و حجت مستند می‌سازد. مؤلفه‌های دیگر نقد شیوه‌هایی معمول برای ارائه دلیل و حجت در تأیید ارزیابی منتقد درباره اثرند (همان: ۵۲).

کارول تأکید می‌کند که نقد فقط یافتن ارزش‌ها نیست و شناسایی کاستی‌ها را نیز مدنظر دارد: نقد اولاً و بالذات متعهد به کشف و روشن ساختن ارزش‌های نهفته در آثار هنری است. قصدم آن نیست که تلویحاً بگویم که نقد کاری به شناسایی کاستی و فرومایگی در آثار هنری ندارد، اما بر این باورم که این کار از متمایز ساختن آن چه ارزشمند است تکلیف خردتری است. ... بی‌درنگ این نکته را بیفزایم که من نمی‌گویم ذکر کاستی‌ها خارج از حدود نقد است بلکه فقط می‌گویم که این غایت اصلی خواست‌مان در نقد نیست. ... ادعا می‌کنم کار اصلی نقد عبارت است از کشف آن چه در اثری یا مجموعه آثاری

1. N.Carroll.

هنری ارزشمند است.» (همان: ۵۳).

وی اجزاء نقد را شامل شش جزء می‌داند که عبارت‌اند از: وصف، دسته‌بندی، بررسی زمینه پیدایش اثر، تبیین، تفسیر، تحلیل و ارزیابی. کارول تأکید می‌کند که در هر نقد، ابزار ششگانه زیر به کار گرفته شود. به زعم او، «شش روش نخست نوعاً همچون زمینه‌های ارزیابی عمل می‌کنند. اما لازم نیست که نمونه‌ای از نقد به معنای درست آن همه این اعمال را دربرداشته باشد. به نظر من، نمونه‌ای از نقد باید دست کم حاوی یکی از شش عمل نخست و البته افزون بر آن، صورتی از ارزیابی خواه ضمنی و خواه صریح باشد.» (همان: ۹۴-۹۳). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، وی گونه‌شناسی خاصی از نقد ندارد و بر آن تأکید دارد که نقد بدون ارزیابی کامل نیست و ارزیابی است که به نقد معنا می‌بخشد و جایگاه و اعتبار لازم را بدان می‌دهد.

ادوارد سعید در کتاب خود چهارگونه نقد ادبی را که امروزه رایج است، مشخص می‌سازد. یکی نقد عملی یا کاربردی که در بررسی کتاب‌ها و نقد روزنامه‌ای یافت می‌شود. دوم تاریخ ادبیات آکادمیک که بازمانده پژوهش‌های قرن نوزدهمی است مانند بررسی متون کلاسیک، جست‌وجو در تاریخ و ریشه لغات و تاریخ فرهنگ. سوم ارزیابی و تفسیر ادبی که اساساً آکادمیک است اما بر خلاف این دو خود را محدود به نویسندگان حرفه‌ای که به طور مرتب در صحنه ظاهر می‌شوند، نمی‌کند... و شکل چهارم، نظریه ادبی است که صورت نسبتاً تازه‌ای است (سعید، ۱۳۷۷: ۱۶). در جای دیگری از این کتاب، وی وظیفه نقد یا آگاهی انتقادی را توانایی تشخیص تمایزاتی می‌داند که پیش از این وجود نداشته است (همان منبع: ۸). رولان بارت در مقاله معروفش با عنوان نقد چیست، درباره‌ی موضوع نقد می‌نویسد: «موضوع نقد، جهان نیست بلکه یک سخن است. سخن دیگری: نقد سخنی بر سخن است، زبان دوم یا (به قول اهل منطق) فرازبان است که بر زبانی اول عمل می‌کند... اگر نقد فقط یک فرازبان باشد، پس وظیفه‌اش اصلاً کشف حقایق نیست بلکه فقط کشف اعتبارهاست. یک زبان فی‌نفسه صادق یا کاذب نیست بلکه معتبر یا نامعتبر است. معتبر است یعنی نظام منسجمی از نشانه‌ها را تشکیل می‌دهد (بارت، ۱۳۷۸: ۲۵-۲۴).

وی در کتاب نقد و حقیقت کارکرد نقد را دوگونه می‌داند: «کارکرد نقد باید دوگونه مناسب را در نظر داشته باشد: مناسبیت زبان نقد با زبان نویسنده مورد نظر و مناسبیت این زبان - موضوع با دنیا. تماس و مجاورت این دو زبان ویژگی نقد و شاید شباهت بسیاری با یک فعالیت ذهنی دیگر یعنی منطق داشته باشد، زیرا منطق نیز یکسره بر اساس تمایز زبان - موضوع و فرازبان استوار است (بارت، ۱۳۹۵: ۴). گرچه در تعبیر بارت از نقد، داوری و ارزش‌گذاری جایگاهی ندارد، ولی این که نقد و فرازبان است و به دنبال کشف اعتبارهاست و مهم‌تر اینکه بر شباهت آن با منطق اشاره می‌کند، به نقد روشمند و در واقع اعتبارسنج نزدیک می‌شود، چرا که یکی از محورهای اساسی روش‌شناسی نیز سنجش اعتبارهاست. از سوی دیگر، در یک تقسیم‌بندی روش‌شناسی یا متدولوژی شاخه‌ای از منطق در نظر گرفته و شناخته شده‌است (شاله، ۱۳۴۶: ۲۲).

در بین تعابیر پیش‌گفته از نقد، شاید از همه دقیق و رساتر، نوشتار وگلمان باشد. فردر وگلمان^۱ در مقاله خود، به مناقشاتی که بر سر گونه‌شناسی نقد جریان دارد اشاره کرده و بخشی از دسته‌بندی را بدین شرح برمی‌شمارد: نقد سازنده، بازسازنده و مبناشناختی. همچنین انواع دیگر نقد هم هستند که به آنها نقد نجات‌دهنده، نقد مامایی و نقد آشکارکننده جهان گفته می‌شود. «البته این موارد سر سوزنی از انواع نقد محسوب می‌شوند.» (Vogelmann, 2010:5).

وی خود سه جلوه و تصویر از نقد را مشخص می‌سازد: «اندازه‌گیری یا ارزیابی‌کننده، مختل‌کننده یا تجزیه‌گر و رهایی‌بخش»^۲

۱. نقد اندازه‌گیر: تصویر غالب درخصوص نقد بی‌تردید این است که نقد فعالیتی از جنس اندازه‌گیری و ارزیابی است. لذا تمرکز بر روی توجیه خط‌کش‌ها و استانداردهای هنجارمند است. ممکن است از ریشه‌شناسی کلمات نیز برای فهم این تصویر از نقد استفاده شود. کلمه کریتیک از کلمه یونانی «Kritike» به معنی قضاوت کردن، حکم دادن یا تمایز نهادن گرفته می‌شود و همه این امور، نیاز به استاندارد دارند. بنابراین، در این تصویر، فعالیت انتقادی عبارتست از اندازه‌گیری موضوع نقد به وسیله یک خط‌کش خاص. از آنجا که کار نقد ارزیابانه، قضاوت است و می‌خواهد ببیند موضوعی که اندازه گرفته می‌شود بد، ناعادلانه، فریبنده یا غلط است یا نه، این خط‌کش‌ها صرفاً توصیفی نیستند، بلکه هنجارمند نیز هستند. لذا استانداردهای نقد اندازه‌گیر باید هنجارمند باشند و مسئله هنجارمندی نقد تبدیل می‌شود به مسئله هنجارمندی خط‌کش.

۲. نقد مختل‌کننده یا تجزیه‌گر: در تفسیری دیگر، نقد را مختل‌کننده چیزی که نقد می‌شود می‌دانند (Vogelmann, 2010:2).

۳. نقد رهایی‌بخش: قطعاً هدف فعالیت نقد در نقد اندازه‌گیر و نقد مختل‌کننده رهایی است (اجازه رفتن به کسی دادن^۳) ولی جلوه سوم از نقد که فعالیت انتقادی را از جهت آزادکنندگی‌اش وصف می‌کند، درست در همین زمینه با بقیه تفاوت دارد، زیرا آزادسازی را هدف نقد نمی‌داند بلکه آن را خود فعالیت نقد می‌داند. تفاوتش با دو تصویر دیگر از نقد مربوط است به این‌که نقد کردن چگونه نماینده می‌شود. در این نگرش به جای اینکه فعالیت نقد را امری اندازه‌گیر و مختل‌کننده موضوع نقد با هدف نزدیک شدن به آزادی در نظر گیرند، نقد را دقیقاً عمل آزاد کردن می‌دانند؛ آزاد کردن ما از چنگ آنچه نقدش می‌کنیم (Ibid: 3).

وگلمان با استناد به آراء ریموند گس^۴ توضیح می‌دهد که نقد رهایی‌بخش افراد را از مفهوم دوم ایدئولوژی یعنی آگاهی کاذب، رها می‌کند. نقد با ارائه دانش به مخاطبانش باعث می‌شود که افراد بفهمند اسیر یک ایدئولوژی هستند (Ibid: 4).

1. Vogelmann.
2. Measuring, Disrupting and Emancipating.
3. Letting Someone go.
4. R.Geuss.

روش‌شناسی

معمولاً از روش‌شناسی در دو سطح بحث به میان می‌آید: در یک سطح، روش‌شناسی، به لحاظ نظری و منطقی، در درون یک پارادایم و به عنوان یکی از مؤلفه‌های پارادایمی لحاظ می‌شود. چنانچه کالین‌های^۱ رابطه بین سه مؤلفه هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی را مستقیم می‌داند. بدین معنا که هستی‌شناسی منطقی بر شناخت‌شناسی و آن هم منطقی بر روش‌شناسی تقدّم دارد (های، ۱۳۸۵: ۱۱۰). در اینجا، روش‌شناسی قائم به ذات نیست و پایه و اساس آن را دو مؤلفه دیگر تشکیل می‌دهند. ولی در سطحی دیگر که می‌توان آن را کاربردی دانست، روش‌شناسی مستقل و به نمایندگی از سایر اجزاء پارادایمی مورد بحث قرار می‌گیرد و کاربرد دارد. در همین راستا، دینا و حیانی^۲ به درستی تشخیص داده‌است که در اغلب تحقیقات، زمینه فلسفی و پارادایمی تحقیق مشخص نمی‌شود، اما همین زمینه

فلسفی است که نحوه اجرای تحقیق را تعیین می‌کند (Wahyuni, 2012:69).

دل‌اپورتا و کیتینگ^۳ نیز تأکید می‌کنند که در یک سطح، روش‌شناسی از هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مستقل است ولی در عمل این مقولات در هم تنیده‌اند (دل‌اپورتا و کیتینگ، ۱۳۹۵: ۶۲). بنابراین، هر روش‌شناسی، متضمن ابعاد نظری و فلسفی دیدگاه و پارادایمی است که آن را نمایندگی می‌کند، بنابراین، هنگامی که در پژوهش‌ها، از روش‌شناسی اثباتی یا تفسیری و یا حتی روش‌شناسی کمی یا کیفی صحبت به میان می‌آید، مشخص است که آن روش‌شناسی، مأخوذ از پارادایم و دیدگاه فلسفی خاص خود است. از این‌رو منظور از روش‌شناسی در این نوشتار، سطح عملی و کاربردی آن است و جایگاه پارادایمی و فلسفی آن مدنظر نیست.

در خصوص روش‌شناسی هم تعاریف متعددی ارائه شده که برخلاف واژه نقد، اغلب صاحب‌نظران درباره آن اتفاق نظر دارند و در اینجا به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

نورمن بلیکی^۴ روش‌شناسی را بررسی این موضوع می‌داند که پژوهش را چگونه باید پیش برد و چگونه پیش می‌رود (های، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

سی.آر. کوتاری^۵ در اثر خود با عنوان روش‌شناسی پژوهش، درباره روش‌شناسی می‌نویسد: «روش‌شناسی تحقیق، روشی است برای حل سیستماتیک مسئله تحقیق. همچنین روش‌شناسی ممکن است به عنوان علم مطالعه این‌که چگونه تحقیق به شکل علمی انجام می‌شود، فهمیده شود. در روش‌شناسی ما گام‌های متنوعی را بررسی می‌کنیم که عموماً به وسیله پژوهشگر در حل مسئله تحقیق

1. C.Hay.
2. D.Wahyuni.
3. D.Dellaporta and M.Keating.
4. N.Blaikie
5. C.R. Kothari.

به کار گرفته می‌شود به همراه منطقی که آن را پشتیبانی می‌کند. برای یک پژوهشگر نه تنها دانستن روش‌ها و تکنیک‌های تحقیق بلکه متدلوژی هم ضروری است. پژوهشگر نه تنها نیاز به دانستن این دارد که چگونه

آزمایش‌ها یا شاخص‌های معین را توسعه دهد، چگونه میانگین، نما، میانه و انحراف معیار انجام دهد، چگونه تکنیک‌های ویژه تحقیق را به کار گیرد، بلکه همچنین نیاز به دانستن این دارد که کدام یک از این روش‌ها یا تکنیک‌ها، مرتبط یا غیرمرتبط هستند و آنها چه معنایی دارند و چرا. پژوهشگران علاوه بر این نیاز به فهم فرضیه‌هایی دارند که تکنیک‌های متنوع را پشتیبانی می‌کنند و همچنین آنها نیاز به دانستن معیاری دارند که با آنها بتوانند تکنیک‌های معینی را برای حل مسائل معین به کار گیرند و یا به کار نگیرند.» (Kothari, 2004:8).

وی تصریح می‌کند که روش‌شناسی تحقیق ابعاد بسیاری دارد و روش‌های تحقیق، بخشی از متدلوژی را

تشکیل می‌دهند. بنابراین، دامنه روش‌شناسی، گسترده‌تر از روش تحقیق است. زمانی که ما از متدلوژی تحقیق سخن می‌گوییم، نه تنها درباره روش تحقیق بلکه درباره منطقی که پشت روش‌هاست و ما آنها را به کار می‌بریم نیز سخن می‌گوییم.

و حیاتی درباره روش‌شناسی و تمایز آن با روش تحقیق می‌نویسد: «روش‌شناسی عبارت است از مدل اجرای فرایند تحقیق در چارچوب یک پارادایم خاص. روش‌شناسی یک حوزه یا یک نقشه است و روش مجموعه قدم‌هایی است که برای حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر، برداشته می‌شوند. روش‌شناسی در واقع مجموع عقایدی است که به محقق کمک می‌کند تا بهترین روش‌ها را انتخاب کند.» (Wahyuni, 2012:69).

محمدتقی ایمان نیز در کتاب خود به منظور تفکیک روش از روش‌شناسی، نقطه نظرات لاتر، هاردینگ و کوک و فونو را یادآور می‌شود. به نظر این اندیشمندان، روش‌شناسی مدلی است که در آن اصول نظری و چارچوبی که یک تحقیق علمی چگونه باید در یک بستر پارادایمی خاص انجام شود، ارائه می‌شود. از این‌رو، نباید روش‌شناسی را با روشی که صرفاً به تکنیک‌ها و ابزارهای جمع‌آوری مربوط است، معادل گرفت (ایمان، ۱۳۹۴: ۲۱).

موتن و ماریاس^۱ هم اعتقاد دارند که در روش‌شناسی، به چگونگی پژوهش اجتماعی پرداخته می‌شود. ایشان در این باره به تفصیل می‌نویسند: در حالی که ابعاد معرفت‌شناسی به وضعیت گزاره‌های علمی مرتبط می‌شود، ابعاد روش‌شناسی مرتبط با چیزی است که ممکن است به آن «چگونگی» روش علوم اجتماعی اطلاق کرد. به عبارت دیگر، پژوهش چگونه طراحی، ساختارمند و اجرا می‌شود تا به طور کامل با معیار علمی همخوانی داشته باشد؟ در عمل، ریشه واژه متدلوژی، می‌تواند به عنوان منطقی کاربردی روش‌های علمی در مطالعه واقعیت تفسیر شود. این مفهوم زمانی روشن‌تر می‌شود که فردی در

نظر گیرد که روند تحقیق علمی به طور گسترده نوعی فرایند تصمیم‌سازی است. پژوهشگر نیازمند است درخصوص مسائلی که در ادامه می‌آید، تصمیم بگیرد: کدام تئوری یا مدل برای پژوهش درخصوص موضوعی خاص، مناسب‌تر است؟ کدام یک از فرضیه‌های تحقیق مرتبط با موضوع تحقیق، براساس مدل یا تئوری انتخاب شده، شکل می‌گیرند؟ کدام ابزار اندازه‌گیری و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات می‌تواند به کارگرفته شود؟ اطلاعات جمع‌آوری شده چگونه تحلیل شوند؟ یافته‌های تحقیق چه معنایی دارند و چگونه به تدوین اساسی مسئله مرتبط می‌شوند؟ لذا روش‌شناسی، به عنوان منطق به کارگیری روش‌های علمی در بررسی پدیده‌ها تعریف می‌شود. با این وصف، روش‌شناسی به منطق فرایند تصمیم‌گیری در پژوهش علمی مربوط می‌شود. بنابراین می‌توان با این گفته کافمن موافق بود که روش‌شناسی پژوهش، نظریه تصمیمات علمی صحیح است (Moution and Marais, 1990:10-15).

در جمع‌بندی از مطالبی که درباره نقد و روش‌شناسی بیان شد، می‌توان گفت نقد روش‌شناختی نقدی است که معطوف به روش‌شناسی تحقیقات و مطالعات است و در این نوع نقد، مؤلفه‌ها و عناصر روش‌شناختی به عنوان معیار برگزیده می‌شود تا بتوان با آن، اعتبار مطالعات مختلف را اندازه‌گیری و در واقع ارزیابی نمود. در این‌گونه، نقد هم‌تراز با ارزیابی قرار می‌گیرد و از آنجا که هدف آن واکاوی مؤلفه و قواعد روش‌شناختی است، لازم است به تهیه ابزار آن هم پرداخته شود.

توسعه سیاسی

علاوه بر قواعد روش‌شناختی، محتوای موضوعی کتاب‌ها و مقالات در نقد و ارزیابی‌ها نقش دارند؛ این‌که تألیفات مورد نظر تا چه حد در چارچوب‌های شناخته شده انجام شده‌اند که البته این نیز خود با اصول روش‌شناسی بی‌ارتباط نیست. بنابراین، لازم است در کنار شاخص‌های روش‌شناختی، شاخص‌های موضوعی مطالعات مورد نظر گنجانده شود. بر این اساس، در این قسمت به تعریف و مشخص ساختن ابعاد و مؤلفه‌هایی که در مطالعه توسعه سیاسی مدنظر قرار می‌گیرد، پرداخته می‌شود.

درباره چپستی توسعه سیاسی، بین اندیشمندان اتفاق نظر وجود ندارد و از زمان شروع مطالعات منسجم در اوایل دهه ۶۰ میلادی، تفاسیر متنوع و متکثری از آن به عمل آمده‌است. در آن زمان، توسعه سیاسی مترادف با دگرگونی‌های متأثر از فرایند نوسازی و مدرنیزاسیون تلقی می‌شد. در حالی که در برخی از تعبیر اوایل سده حاضر، توسعه سیاسی مترادف با آزادی و برابری است یعنی ایده‌آل و آرمان لیبرالیزم و سوسیالیسم به عنوان تأثیرگذارترین ایدئولوژی‌های عصر حاضر (King sbury, 2007:1). تشتت آراء در پیرامون این موضوع به اندازه‌ای وسعت گرفت که برخی از متفکران اعتقاد پیدا کردند که این مفهوم نیز همچون سیاست تطبیقی، همه چیز است و هیچ چیز نیست (Johari, 1990:191). به منظور رهایی از تشتت آراء و نظم بخشیدن به آراء و اندیشه‌های ناهمگون، متفکرانی همچون برتران بدیع، تعاریف، ابعاد، شاخص‌ها و به طور کلی مطالعات توسعه سیاسی را در درون رویکردهای کلان طبقه‌بندی و سه جریان توسعه‌گرایی کلاسیک، بازسازی جامعه‌شناسی و بازگشت به تاریخ را مشخص کرد (بدیع، ۱۳۷۶: ۲۲). وی در درون هر جریان به نقد و تحلیل نظریه‌های اندیشمندان این حوزه پرداخت و توسعه سیاسی را از نظر اندیشمندان، بازگو نمود. هانتینگتون نیز سه رویکرد نظام - کارکرد،

فرایند اجتماعی و تاریخ تطبیقی را در طبقه‌بندی مطالعات توسعه سیاسی پیشنهاد می‌کند (Huntington, 1971:306). چارچوب سیستم‌ها، چارچوب نهادینه شدن و دموکراتیزاسیون نیز طبقه‌بندی است که به وسیله فرد ریگز^۱ ارائه شده است (Riggs, 1981:325). از برآیند و وجوه مشترک این دیدگاه‌ها، می‌توان مطالعات سیاسی را در رهیافت‌های ساختارگرایی، کارکردی، مدرنیزاسیون، وابستگی، دموکراتیزاسیون، مطالعات تاریخی و حکمرانی خوب طبقه‌بندی کرد.

ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی، در مرتبه نازل‌تر مطالعات توسعه سیاسی قرار می‌گیرد که در این زمینه نیز تنوع دیدگاه‌ها بسیار چشمگیر است. یکی از چهره‌های شناخته شده، لوسین پای^۲ است که پس از ارائه تعاریف ده‌گانه از توسعه سیاسی، ویژگی‌ها و مضامین مشترک آن را در سه بعد خلاصه می‌کند: برابری، ظرفیت و تخصصی شدن و تفکیک نهادی (Pay, 1965:12).

شاید بیش از سایر ابعاد و جنبه‌های مورد مطالعه در توسعه سیاسی این ابعاد و شاخص‌های آن است که برای همگان شناخته شده‌تر است و توسعه سیاسی را با مشارکت، نهادینگی، قانونمداری، برابری، ثبات، شایسته‌سالاری، فرهنگ سیاسی مشارکتی و غیره می‌شناسند. از این‌رو، این شاخص‌ها در طبقه‌بندی مطالعات، کاربرد پیدا می‌کند.

پس از شاخص‌ها، نهایتاً تعریف توسعه سیاسی اهمیت پیدا می‌کند که در اغلب مطالعات، هدف اصلی به شمار می‌رود. به زعم مونتگمری^۳ چند بعدی بودن مفهوم توسعه سیاسی که تقریباً در تعاریف تمام اندیشمندان به چشم می‌خورد، باعث پیچیدگی مفهومی آن شده و از این رو شاید بتوان همه چیز را تحت لوای آن درآورد (Huntington, 1971:301). بنابراین متفکرانی چون ریگز اعتقاد دارند که توسعه سیاسی یک مفهوم خاص بوده و تلاش برای تعریف آن به جای روشنگری به بدفهمی و آشفتگی می‌انجامد. با ترک این تلاش می‌توان متغیرها یا مفاهیم مهم‌تر و جالب‌تری که پیرامون معنای واژه توسعه سیاسی جمع شده است را شناسایی کرد (Riggs, 1981). در ارزیابی مطالعات نیز می‌توان همین مطلب را معیار قرار داد و مهم‌تر این‌که، آیا مطالعات مورد نظر تعریف مشخصی از توسعه سیاسی دارند یا خیر.

بدیهی است که از مؤلفه‌های اصلی مرتبط با توسعه سیاسی یعنی رویکردها، ابعاد و شاخص‌ها، نظریه‌ها و مفاهیم، در وهله اول می‌توان در گونه‌شناسی مطالعات توسعه سیاسی در ایران استفاده کرد و علاوه بر این، میزان پایبندی به چارچوب‌ها و موازین هر رویکرد را در هر مطالعه مورد توجه قرار داد.

ابزار ارزیابی

همان‌طور که گفته شد، نقد روش‌شناختی هم‌تراز با ارزیابی انتقادی است و به لحاظ کاربردی و هدف اجرا، دقیقاً با یکدیگر همخوانی دارند. در تعریف از ارزیابی انتقادی می‌خوانیم: «ارزیابی انتقادی

1. F. Riggs.

2. L. Pay.

3. J. Montgomery.

عبارت است از فرایند ارزشیابی دقیق و واضح کیفیت پژوهش‌های منتشر شده و ارتباط آنها با یک زمینه خاص.» (Mathuna, 2010:414).

هدف از طراحی ابزارهای ارزیابی این است که خوانندگان مقالات و کتب علمی را، در امر ارزش-گذاری (ارزیابی) کیفیت پژوهش‌ها یاری کند. در اینجا کیفیت به معنای میزان به حداقل رساندن سوگیری‌ها و روش‌های روش‌شناختی در زمینه انتخاب موضوعات، سنجش و محاسبه نتایج و تأثیرات عوامل و متغیرهای مزاحم بیرونی در یک مطالعه است (Clasofer, 2014:19).

به منظور عملیاتی شدن فرایند نقدها و ارزیابی‌های روش‌شناختی، ابزارهایی ساخته و به کار برده می‌شود که به ابزارهای ارزیابی انتقادی (Cat) ^۱ شهرت دارد و عموماً در مرورهای نظامند کاربرد دارد (Crowe and sheppard, 2010:79). آژانس پژوهش و کیفیت مراقبت‌های بهداشتی در آمریکا، در سال ۱۹۹۹ از سوی کنگره آمریکا مأمور دستیابی به ابزارهای ارزیابی شد و نهایتاً مدل جانز هاپیکنز را برگزید. بخشی از این مدل که برای انواع مطالعات و از جمله مرورهای نظامند کاربرد دارد به شرح زیر است (Glasofer, 2014:19).

دسته‌بندی‌های استاندارد	طرح تحقیق
پرسش تحقیق استراتژی پژوهش معیارهای شمول و عدم شمول استخراج داده کیفیت و اعتبار مطالعه تجزیه، تحلیل و ترکیب داده‌ها منابع مالی یا حمایت مالی	مرور نظامند

البته جست‌وجو برای دستیابی به ابزارهای ارزیابی روش‌مند به سال‌ها پیش از این برمی‌گردد و آثار بسیاری از تلاش پژوهشگران در این زمینه به جا مانده‌است. از جمله دونالد مک تاویش و جیمز کلیری ^۲ در مقاله مفصلی با عنوان ارزیابی روش‌شناسی پژوهش، ضمن بررسی کامل و جامعی از مطالعات پیشین، الگویی را ارائه می‌دهد که از ۷۵ شاخص تشکیل می‌شود و ارزیابی تمام مراحل اجرای یک تحقیق از بیان مسئله تا منابع را دربرمی‌گیرد (Mactavish and Cleary, 1977:28-29). روایی این ابزار به وسیله یازده پژوهشگر مجرب سنجیده شده و در ارزیابی پژوهش‌های مختلف، به اصلاح و تکمیل آن پرداخته شده‌است که به منظور پرهیز از اطاله کلام از ذکر آن خودداری می‌شود.

1. Critical Appraisal Tools.
2. D. Mactavish and J. Cleary.

در ایران هم ابزاری با عنوان «شیوه‌نامه نقد و تحلیل آثار و کتب در طراز جهانی به وسیله شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهیه شده‌است که اجزای پیشنهادی مندرج در این شیوه‌نامه بدین شرح است:

۱. معرفی کلی اثر و مؤلف،
 ۲. تحلیل بیرونی و خاستگاه اثر و مؤلف آن؛
 ۳. تحلیل درونی و جایگاه اثر؛
 ۴. نقد و ارزیابی اثر که شامل نقد درون‌ساختاری و نقد برون‌ساختاری می‌شود (شیوه‌نامه نقد و تحلیل آثار و کتب در طراز جهانی، ۱۳۹۰: ۳۹۴).
- این شورا دو سال پس از این، در ضمیمه گزارش مفصلی با عنوان نقد در تراز جهانی، پرسش‌نامه‌ای را با عنوان پرسش‌نامه نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی تهیه نموده که از جامعیت لازم برخوردار بوده و تقریباً شامل ده صفحه می‌شود. محورهای کلی پرسش‌نامه را می‌توان در شکل زیر ملاحظه کرد (حسینی، ۱۳۹۲: ۹۵۳-۹۴۱).

شاخص‌ها	ابعاد
مشخصات کلی اثر	بررسی ابعاد شکلی اثر
<ul style="list-style-type: none"> - پرسش‌های مربوط به نظم منطقی - پرسش‌های مربوط به منابع - پرسش‌های مربوط به تحلیل و بررسی - پرسش‌های مربوط به نوآوری و نو بودن - پرسش‌های مربوط به مبانی و پیش‌فرض‌ها - پرسش‌های مربوط به انطباق و جامعیت - پرسش‌های مربوط به نحوه به کارگیری ابزارهای علمی - پرسش‌های مربوط به اصطلاحات تخصصی - پرسش‌های مربوط به رویکردهای کلی 	بررسی ابعاد محتوایی اثر

ممکن است این تصور پیش آید که چنین ابزارهایی تنها در مطالعات کمی قابل استفاده است و در مطالعات کیفی، نمی‌توان آن را به کار برد. در حالی که مطالعات پژوهشگران و صاحب‌نظران نشان می‌دهد معیارها و شاخص‌ها در ارکان اساسی هر نوع روش‌شناسی یکسان است. از جمله لانگ و گادفری^۱، با استناد به پیشینه مطالعاتی خودشان، ابزاری را برای ارزیابی پژوهش‌های کیفی معرفی می‌کنند که بخش‌هایی از آن به شرح زیر است (Long and Gadfrey, 2004:186).

1. A. Long and M. Godfrey.

سؤالات کلیدی	حوزه بررسی
<ul style="list-style-type: none"> - چه چیزی مورد مطالعه قرار گرفته است؟ - آیا جزئیات کافی راجع به پدیده مورد مطالعه ارائه شده است؟ 	پدیده مورد مطالعه
<ul style="list-style-type: none"> - مطالعه براساس کدام چارچوب تئوریک شکل گرفته است؟ - چارچوب تئوریک به چه شکلی در مطالعه تجلی یافته است؟ - محققان این پژوهش را چگونه در قالب دانش موجود قرار داده‌اند؟ 	چارچوب تئوریک
<ul style="list-style-type: none"> - نمونه چگونه انتخاب شده است؟ - آیا نمونه برای اهداف تحقیق مناسب است؟ - آیا نمونه عمق و عرض زمانی، مکانی و واقعی دارد؟ - مهم‌ترین ویژگی‌های نمونه چیست؟ 	نمونه‌ها
<ul style="list-style-type: none"> - از چه روش‌هایی برای جمع‌آوری و ثبت داده‌ها استفاده شده است؟ - آیا داده‌ها از جزئیات کافی جهت فهم معانی و ادراکات شرکت‌کنندگان برخوردار هستند؟ - آیا فرایند مطالعه، به اندازه کافی توضیح داده شده است؟ - نقش محقق در انتخاب موضوع مطالعه چه بوده است؟ 	جمع‌آوری داده‌ها
<ul style="list-style-type: none"> - داده‌ها چگونه تحلیل شده‌اند؟ - توصیف و تحلیل داده‌ها تا چه حد کافی بوده است؟ - آیا مدرکی دال بر تأیید تحلیل داده‌ها و پایایی و انسجام آن وجود دارد؟ - آیا نتایج براساس مطالعات و تئوری‌های دیگر قابل تفسیرند؟ 	تحلیل داده‌ها
<ul style="list-style-type: none"> - آیا دیدگاه و فرضیات و جهت‌گیری بالقوه محقق بیان شده است؟ 	جهت‌گیری بالقوه محقق
<ul style="list-style-type: none"> - نتایج این تحقیق را به چه جوامعی می‌توان تعمیم داد؟ - آیا نتیجه‌گیری مطالعه قابل توجیه است؟ - کاربردهای این تحقیق برای سیاست‌گذاری و کاربردهای عملی چیست؟ - آیا مطالعه از گستره و دامنه و عمق مناسبی برخوردار بوده است؟ 	خطمشی و کاربردها

از ترکیب شاخص‌های مشترک ابزارهای پیش‌گفته با شاخص ابزارهای بررسی شده و همچنین مراحل یک پژوهش و مطالعه اجتماعی، در اینجا الگوی زیر ارائه می‌شود. این الگو به وسیله تعدادی از اساتید دانشگاه و پژوهشگران مجرب بازمینی و اعتبار آن تأیید شده‌است. با این حال، لازم است که با کاربردی آن در مطالعات مختلف به تکمیل آن پرداخته شود. بدیهی است که با توجه به موضوع و ویژگی‌های خاص هر مطالعه، قطعاً تغییراتی در الگو به وجود می‌آید تا ارزیابی دقت و صحت مورد نظر را داشته باشد. نکته دیگر اینکه در طراحی ابزارهای نقد و ارزیابی، علاوه بر قواعد روش‌شناختی و معیارهای موضوعی و محتوایی، قالب مطالعات نیز اهمیت دارد. اینکه مطالعه مورد نظر در قالب کتاب

ارائه شده است یا مقاله یا پایان‌نامه. براین اساس مهم‌ترین استانداردهای کتاب‌شناسی یا مقاله‌شناسی مرسوم را می‌توان در دستورالعمل‌های ارزیابی گنجاند و در ارزیابی آثار به کار برد. در تدوین و طراحی ابزار پیشنهادی این نوشتار، قالب کتاب مورد نظر بوده‌است.

الف) مشخصات و کتاب‌شناسی آثار مورد بررسی

ردیف	متغیر	مقوله‌ها و تعاریف
۱	نام کتاب	
۲	سال انتشار کتاب (نشر اول)	
۳	نام مؤلف یا مؤلفان	
۴	سن مؤلف	
۵	جنس مؤلف	۱. زن ۲. مرد
۶	تألیف یا ترجمه	۱. تألیف ۲. ترجمه
۷	شهرت نویسنده اثر	۱. مؤلف مشهور و شناخته شده و صاحب‌نظر در علوم سیاسی ایران است. ۲. مؤلف گمنام است ۳. مؤلف صاحب‌نظر در سایر رشته‌های علوم اجتماعی است ۴. مؤلف فعال سیاسی - اجتماعی است
۸	مشخص ساختن مخاطبان کتاب	۱. جامعه دانشگاهی و دانشجویان ۲. عامه مردم ۳. هر دو ۴. مشخص نشده‌است
۹	شیوه بیان مطالب	۱. ساده و روان ۲. پیچیده و فنی
۱۰	نوع منابع مورد استفاده	۱. منابع دست اول ۲. منابع دست دوم ۳. منابع دست اول و دوم ۴. منابع ذکر نشده‌است.
۱۱	میزان انسجام بین فصول و بخش‌های کتاب	۱. تمام فصول و بخش‌های کتاب، با مسئله و سؤال اصلی ارتباط دارد. ۲. بین مطالب بخش‌های مختلف کتاب با مسئله و سؤال اصلی ارتباطی وجود ندارد. ۳. کتاب مجموعه مقالات غیرمرتبط با هم است.

(ب) ویژگی‌های روش‌شناختی آثار مورد بررسی

ردیف	متغیر	مقوله‌ها و تعاریف
۱۲	چیستی سؤال تحقیق	۱. کتاب فاقد سؤالی مشخص است
۱۳	تعریف مسئله تحقیق (تشریح عواملی که تعادل یک وضعیت اجتماعی را برهم زده و باعث تغییر شده است)	۱. با استناد به واقعیات اجتماعی مسئله تعریف شده است (عینی و ذهنی) ۲. تعریف مسئله، جنبه ذهنی و عقلی دارد (فقط ذهنی است) ۳. تعریف مسئله، جنبه هنجاری دارد ۴. تعریف مشخص و روشنی از مسئله تحقیق ارائه نشده است
۱۴	گستره موضوع کتاب	۱. کتاب موضوعی خاص و محدود را دربرمی‌گیرد ۲. کتاب با چند موضوع پراکنده در ارتباط است ۳. کتاب با چند موضوع مرتبط ولی گسترده ارتباط دارد
۱۵	روش‌شناسی کتاب در مقدمه	۱. روش‌شناسی اثبات‌گرایی ۲. روش‌شناسی فرااثبات‌گرایی ۳. روش‌شناسی تفسیری ۴. روش‌شناسی انتقادی ۹. نامشخص
۱۶	هدف از مطالعه	۱. هدف از مطالعه، دستیابی به تبیین‌های علی است ۲. هدف از مطالعه، فهم انگیزه انسان‌ها و جوامع است ۳. ترکیبی از تبیین علی و تفهم
۱۷	شیوه ترکیب نظریات در ساخت الگوی تحقیق (رعایت معیارهای علمی در ساخت الگوی تحقیق)	۱. ارتباط بین نظریه‌ها و شیوه و جایگاه کاربردی آن مشخص و دقیق است (اعتبارسنجی شده است) ۲. ارتباط بین نظریه‌ها و شیوه و جایگاه به کارگیری آن، با ابهام مواجه است (اعتبارسنجی نشده است) ۳. کتاب تک نظریه‌ای یا بدون استفاده از نظریه است
۱۸	بیان و تحلیل مطالعات پیشین مرتبط با موضوع	۱. فقط به ذکر چند عنوان بسنده شده است ۲. پیشینه تحقیق به حد کفایت، بررسی و تحلیل شده است (به نقاط قوت و ضعف آثار پیشین پرداخته شده است). ۳. بدون ذکر پیشینه مطالعاتی
۱۹	نوع برخورد با رویکردها و رویکردها و	۱. معایب و کاستی رویکردها و نظریات برشمرده شده و از مطالعه حذف شده‌اند.

ردیف	متغیر	مقوله‌ها و تعاریف
	نظریه‌های به کار رفته	۲. بدون ذکر کاستی‌ها و انتقادات وارد بر نظریه و پذیرش و کاربست کامل آن
۲۰	تعریف مفاهیم تحقیق	۱. مفهوم اصلی تحقیق، با استفاده از ادبیات تحقیق، تعریف و شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن تعیین شده است. ۲. تعریف مشخصی از مفاهیم تحقیق ارائه نشده است.
۲۱	روش جمع‌آوری اطلاعات	۱. کتابخانه‌ای ۲. روش‌های میدانی: پرسش‌نامه، مصاحبه و...
۲۲	شیوه اثبات فرضیه کتاب	۱. با استفاده از مفاهیم و متغیرها، به استخراج یافته (کمی یا کیفی) پرداخته شده و در اثبات فرضیه به کار رفته است. ۲. از یافته‌های مطالعات دیگر (یافته‌های کمی یا کیفی) استفاده شده است. ۳. در بخش یافته‌ها، تحلیل‌ها و ادعاهای نویسنده تکرار شده است.
۲۳	میزان قطعیت یا عدم قطعیت نتایج مطالعه	۱. نویسنده فقط تحلیل و نظر خود از توسعه سیاسی ایران را می‌پذیرد و سایر نظریات را به طور قاطع رد می‌کند (اثبات گرایی). ۲. نویسنده به وجود سایر نظریات هم اذعان دارد، ولی با این حال نظریه خود را بهتر می‌داند و آن را می‌پذیرد. ۳. نویسنده به تحلیل خود تا زمانی که نظریات جدید آن را رد نکنند، پایبند است (ابطال گرایی). ۴. نظریات دیگر بیان نشده است.
۲۴	سطح تعمیم‌پذیری (اعتبار بیرونی)	۱. مؤلف، ادعا و نظریه خود را به تمام مراحل تاریخی ایران تعمیم داده است. ۲. مؤلف، برای هر مرحله از تاریخ ایران، نظریه خاص آن دوره را بیان کرده است. ۳. موضوع کتاب مرتبط با دوره خاصی از تاریخ ایران است.
۲۵	اعتبار درونی	۱. استفاده از منابع تأییدگر ۲. استفاده از روش‌های دیگر ۳. ارائه یافته‌های تحقیق به سایر صاحب‌نظران ۴. هیچ کدام

ج) گونه‌شناسی توسعه سیاسی ایران در آثار مورد بررسی

ردیف	متغیر	مقوله‌ها و تعاریف
۲۶	ارتباط عنوان کتاب با توسعه سیاسی ایران	۱. کتاب‌های مرتبط با مفاهیم توسعه سیاسی، توسعه نیافتگی سیاسی، موانع تحقق توسعه سیاسی، فرهنگ سیاسی ۲. کتاب‌های مرتبط با مفاهیم نوسازی، تجدد، مدرنیته، تجددگرایی... ۳. کتاب‌های مرتبط با مفاهیم استبداد، دیکتاتوری، عقب‌ماندگی، انحطاط و... ۴. کتاب‌های مرتبط با مفاهیم دموکراسی، جامعه مدنی و... ۹. سایر
۲۷	رهیافت توسعه سیاسی در کتاب	۱. ساختارگرایی - کارکردی (سیستمی) ۲. مدرنیزاسیون ۳. وابستگی ۴. رهیافت غایب‌شناسانه (دموکراتیزاسیون) ۵. رهیافت مطالعات تاریخی ۶. رهیافت یا الگوی حکمرانی خوب ۷. بدون ارتباط با رهیافت‌ها ۹. مشخص نشده‌است
۲۸	نظریه یا نظریات مورد استفاده در کتاب	۱. مارکس ۲. نئومارکسیسم ۳. ماکس وبر ۴. لیبرالیسم ۵. هابرماس ۶. نظریه‌های پست مدرن ۷. ترکیبی از نظریات و ساخت مدل ۸. گابریل آلموند ۹. مشخص نیست ۱۰. ترکیبی از نظریات و بدون ساخت مدل از آن
۲۹	طبقه‌بندی آکادمیک نظریه یا نظریات مورد استفاده در کتاب	۱. نظریه‌پردازان سیاست تطبیقی و توسعه سیاسی (آلموند، پاول، پای، بایندر، هانتینگتون، لیپت، ... ۲. نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی سیاسی ۳. نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی ۴. نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی ۵. سایر ۶. بیان نشده‌است. ۷. ترکیبی ۸. مشخص نیست.

نتیجه‌گیری

هر تعبیری که از نقد داشته‌باشیم، خواه آن را مترادف با ارزیابی قلمداد کنیم و خواه جایگاه آن را فراتر و مستقل از ارزیابی به شمار آوریم، در نقد نوشتن و نقادی، نیاز به معیار داریم. گم‌شده‌نقد‌های وارد بر مطالعات سیاسی ایران، استاندارد، معیار و در واقع شاخص‌هایی است که ناقد را از غلتیدن به وادی نقد‌های جهت‌دار و به تعبیری ایدئولوژیک مانع شود و در این عرصه، چه معیار و استاندارد بهتری از روش‌شناسی که غالب اهل نظر در اعتبار آن متفق‌القول هستند.

به‌طور کلی، در هر مطالعه‌ای اعم از کمی یا کیفی، علی‌یا تفهیمی، از پرداختن به سه رکن اساسی، گریزی نیست: مسئله و سؤال پژوهش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری. هر مطالعه اجتماعی، به معنای دقیق خود از مسئله و پاسخ به سؤالی مشخص شروع می‌شود و در گام بعدی، به جست‌وجوی یافته‌ها می‌پردازد و نهایتاً به بیان نتایج تحقیق، ختم می‌شود. پیمودن چگونگی این مسیر از ابتدا تا انتها که موسوم به روش‌شناسی است، با توجه به موضوع و نوع مطالعه قابل تعدیل و اصلاح است. به بیان دیگر، با حذف یا افزودن شاخص‌هایی به ابزارهای ارزیابی روش‌شناسانه، می‌توان آن را در نقد متون و مطالعات گرایش‌های مختلف علوم اجتماعی مورد استفاده قرار داد. گرچه اختلاف نظر در نقد کیفیت آثار و مطالعات را نمی‌توان حذف کرد و اساساً مطالعات علمی، چنین هدفی را مدنظر ندارند، با این حال می‌توان اختلافات فاحش و کاملاً متناقض بر سر ارزش آثار منتشر شده محو نمود و از نقدهای ناهمگون جزم‌گرایانه و افراطی جلوگیری کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱ آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰). مدرنیته ایرانی؛ روشنفکران و پارادایم فکری عقب‌ماندگی در ایران، تهران: اجماع.
- ۲ اکبر، علی (۱۳۹۵). گفتمان عقب‌ماندگی نزد روشنفکران ایرانی، تهران: فرزانه روز.
- ۳ اوجبی، علی (۱۳۸۹). نقد نقد، تهران: خانه کتاب.
- ۴ ایمان، محمدتقی (۱۳۹۴). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۵ بارت، رولن (۱۳۹۵). نقد و حقیقت، ترجمه شیرین دخت دقیقیان، چاپ هشتم، تهران: نشر مرکز.
- ۶ بارت، رولن (۱۳۷۸). «نقد چیست؟»، ترجمه حمیدرضا ایک، کارنامه، ش ۴، صفحات ۲۲-۲۵
- ۷ بدیع، برتران (۱۳۷۶). توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: قومس.
- ۸ بلزی، کاترین (۱۳۹۳). عمل نقد، ترجمه عباس منخبر، تهران: آگه.
- ۹ حسینی، سیدحسین (۱۳۹۲). نقد در طراز جهانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۰ دلاپورتا، دوناتلا و کیتینگ، مایکل (۱۳۹۵). نگاهی کثرت‌گرایانه به رویکردها و روش‌شناسی‌ها در علوم اجتماعی، ترجمه محمدجواد جواد ارجمند و مجید فرهام، تهران: نشر روزنه.
- ۱۱ زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۰). آشنایی با نقد ادبی، چاپ ششم، تهران: سخن.
- ۱۲ سعید، ادوارد (۱۳۷۷). جهان، متن و منتقد، ترجمه اکبر آفری، تهران: توس.
- ۱۳ سمیعی (گیلانی)، احمد (۱۳۸۸). «نقد در جهان غرب»، در مجموعه مقالات عیار نقد، به کوشش علی اوجبی، تهران: مؤسسه خانه کتاب.
- ۱۴ سیف، احمد (۱۳۷۷). «ریشه‌یابی یا ریشه‌تراشی؛ نقد کتاب ما چگونه ما شدیم»، تاریخ معاصر، شماره ۵.
- ۱۵ شاله، فیلیسین (۱۳۴۶). شناخت روش علوم یا فلسفه علمی، ترجمه یحیی مهدوی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۶ شیوه‌نامه نقد و تحلیل آثار و کتب در طراز جهانی (۱۳۹۰). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. www.shmoton.ir
- ۱۷ علیپور، صدیقه (پوران) (۱۳۸۹). «تحلیل ساختاری نقد، پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، ش ۱۹، صفحات ۳۹-۶۶.
- ۱۸ فولادی، علیرضا (۱۳۸۹). «نقد در موقعیت پست‌مدرن»، در مجموعه مقالات عیار نقد، دفتر دوم، به کوشش علی اوجبی، تهران: خانه کتاب.
- ۱۹ ملکیان، مصطفی (۱۳۸۹). تحلیل فلسفی (سلسله جزوات درس‌گفتاری)، تهیه شده از کانال تلگرامی استاد مصطفی ملکیان.

۲۰ های، کالین (۱۳۸۵). درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشرنی.

- 21 Clasofer, Amy (2014). Searching with critical appraisal tools. Nursing critical care, vol.9. pp. 19-22
- 22 Crowe, Michael and sheppard, Lorraine (2011). A review of critical appraisal tools show they lack rigor: Alternative tool structure is proposed. Journal of clinical Epidemiology, 64. P. 79-89
- 23 Huntington, Samuel P. (1971). The change to change: Modernisation, Development and politics. Comparutive potitics, vol 3, No 3. PP. 283-322
- 24 Johari, J.C. (1991). Comparative politics. NewDelhi: Sterling publisher
- 25 Kingsbury, Damien (2007). political Development. London and NewYork: Routledge
- 26 Kothari, C.R. (2004) Reseach methodologe. Second Edition. New Delhi: New Age International publishers
- 27 Long, Andrew and Godfrey, Mary (2004) An evaluation tool fo assess the quality of qualitative research studies. International Journal of social Research metodlogy. Vol. 7, no. 2, pp. 181-196
- 28 Mathuna, Donal (2010). Critical appraisal of systematic reviews. International Journal of Nursing practic. 16. PP. 414-418
- 29 Mctavish, Donald ant others. (1977). Assessing Research methodology, The structur of professional Assess ment of methodology. Sociological method and research.V.6. No.1,P.3-39
- 30 Mouton, Johann and marais, He. (1990) Basic Concepts in the methodology of the social science. South Africa: Human seience research concil
- 31 Pye, Lucien W (1965). The concept of political development. The Annals of the American Acadory of political and social scince. Vol. 358, PP. 1-13
- 32 Riggs, Fred W. 1981. The rise and fall of political development. In the handbook of political development. S. L. Long. NewYork: plenum Press. PP. 289-348
- 33 Vogelmann, Frieder. (2016) Measuring, Disrupling, Emancipating: Three pictures of critique. Constellations, V.oo, No 0. PP. 1-11
- 34 Wahyuni, Dina (2012) The research design maze understanding paradigms, cases, methods and methodologies, Journal of applied managent accounting research, Vol. 10, No 1, PP. 69-80



Methodological Criticism and its Application to the Evaluation of Political Development Studies

Gholamreza Mohammadimehr¹

PhD student in Political Science (Iran Affaires), Political Science Department, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Tehran Ulum – va- Tahghihat branch; Iran.

Majid tavasoli Roknabadi Ph.D²

Associate Professor in Political Science, Political Science Department, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Tehran Ulum – va- Tahghihat branch; Iran.

In Iran political development studies, criticism without criteria has been frequently led to biased and non-scientific evaluations and in result of it to diversity of views among experts. By putting methodological principals as criteria, Ideological critics could be modified to a larger extent, and it could adjust the diversirty of views. The essay tries to introduce evaluation tool to methodological criticism of works on Iran political development. Firstly, a kind of criticism named evaluative criticism that adjust to evaluative process would be introduced, then the rules of scientific methodology and also the significant principals of Iran political development studies will be discussed. Ultimately, by combination the said principals and axis in addition to bibliography of works, an evaluation questionnaire has been made which its formal validity confirmed by some of methodology and political science professors/experts. The application of this tool in evaluation political studies, can obstacle the biased critics and identify the value and credit of scientific political works.

Keywords: Criticism, types of Criticism, Methodology, Methodological Criticism, Evaluation Tool, Evaluation Questionnaire.

¹ E-mail: r43mehr@yahoo.com

² E-mail: tavasoli@gmial.com (Corresponding Author)